

## دنیای خبر

## موسیقی مازندران یکی از خوانندگانش را از دست داد



● فرود کندلوسی، نوازنده و خواننده موسیقی مازندران که نقش مهمی در احیا و برپایی جشن‌های سنتی و آیین‌های بومی مازندران داشت، در ۵۶سالگی بر اثر ایست قلبی درگذشت. به گزارش ایسنا، فرود جلالی‌کندلوسی، فعال فرهنگی و مدیر مؤسسه فرهنگی هنری پارپیرا که نزدیک به سه دهه تلاش‌های اثرگذاری برای احیای فرهنگ بومی مازندران انجام داد و نقش پررنگی در برجسته‌سازی آیین‌های مازندران طی دو دهه اخیر داشت، بعدازظهر پنجشنبه ۱۷ تیر در ۵۶سالگی بر اثر ایست قلبی درگذشت. زنده‌یاد جلالی‌کندلوسی، همکار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نوازنده و خواننده موسیقی مازندران، بعدازظهر دیروز در سفر به زادگاهش روستای کندلوس بر اثر ایست قلبی درگذشت.

پیکر او امروز در زادگاهش به خاک سپرده خواهد شد.

جلالی‌کندلوسی شاعر، نوازنده لیه‌وا و خواننده موسیقی بومی مازندران بود و در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ با انتشار آلبوم‌های پارپیرا ۱، ۲، ۳ و ۴ که شامل شعرخوانی‌های محلی او بود نظر علاقه‌مندان به فرهنگ و هنر مازندرانی را به خود جلب کرد.

او علاوه بر چهارگانه پارپیرا که به ترتیب پارپیرا ۱ (۱۳۷۸)، نازی‌ناری‌کا (۱۳۸۰)، شیونگ (۱۳۸۲) و اسری نام داشتند، در سال ۱۳۸۳ آلبوم از کیاجین‌های البرز را نیز منتشر کرده بود.

جلالی‌کندلوسی که سال ۱۳۶۶ برای تحصیل در رشته علوم اجتماعی وارد دانشگاه تهران شد، از نخستین افرادی بود که پایان‌نامه دانشگاهی‌اش به مطالعات فرهنگ‌شناسی مازندران اختصاص یافت. او سال ۱۳۷۱ پایان‌نامه‌اش را با موضوع فرهنگ و آداب و رسوم دهکده کندلوس ارائه کرد.

علاقه او به فرهنگ بومی مازندران سبب شد تا سال ۱۳۷۶ همراه با برخی هنرمندان غرب استان انجمن فرهنگی کجور را تشکیل دهد و اقدام به برگزاری برنامه‌هایی مانند جشنواره، شعب شعر و نمایشگاه با موضوع فرهنگ و موسیقی مازندران کند.

شهرت این فعال فرهنگی علاوه بر انتشار آلبوم‌های او، به دلیل احیا و برپایی جشن‌های سنتی و آیین‌های بومی مازندران در تهران و همچنین پیکری‌های گسترده او برای برپایی مستمر همایش مازندرانی‌های مقیم تهران و تجمع ظرفیت مازندرانی‌های ساکن پایتخت برای توسعه فرهنگی و اجتماعی استان بود.

او سال ۱۳۸۲ با هدف گسترش فعالیت‌های فرهنگی در تهران و همچنین تولید آثار مرتبط با فرهنگ و هنر مازندران مؤسسه فرهنگی هنری پارپیرا را تأسیس کرد که خروجی آن برپایی ده‌ها رویداد بزرگ فرهنگی و تولید و انتشار آثار فرهنگی مختلف بود.

مدیر مؤسسه فرهنگی هنری پارپیرا، طی حدود ۲۰ سال ده‌ها جشن بزرگ مبتنی بر آیین‌های بومی مازندران مانند جشن‌های تیرماسیزه شو، ۲۶ نوروزما، جشنواره شعر و موسیقی مناطق طبری‌زبان و جشن سلام مازندرانی را برگزار کرد و به واسطه برپایی همین جشن‌ها به مرور در یک دهه اخیر جریان برپایی جشن‌های مشابهی در سراسر مازندران نیز شکل گرفت.

## اجرای شب موسیقی فیلم ارکستر ملی ایران آفلاین پخش می‌شود

● اجرای شب موسیقی فیلم ارکستر ملی ایران به صورت آفلاین جمعه ۱۸ تیر و از ساعت ۲۱ در اختیار علاقه‌مندان است.

به گزارش روابطعمومی و امور بین‌الملل بنیاد رودکی، ارکستر ملی ایران در برنامه «شب موسیقی فیلم» با اجرای دو اثر ماندگار موسیقی، ۱۱ برنامه روی صحنه رفت. در بخش نخست این برنامه گروه سازهای ایرانی، موسیقی فیلم «دلشدگان» به آهنگ‌سازی استاد حسین علیزاده را اجرا کرد، بخش دوم این رویداد به اجرای ارکستر ملی ایران با ترکیب کامل نوازندگان از موسیقی فیلم «مادر» به آهنگ‌سازی و رهبری استاد ارسلان کامکار اختصاص داشت.

این برنامه ضبطی ساعت ۲۱ روز ۱۸ تیر از سایت بنیاد رودکی به نشانی -www.bonyadrou.com daki اینستاگرام بنیاد رودکی به نشانی bonyad.roudaki، اینستاگرام هذدنگ به نشانی hafidng و اینستاگرام ارکستر ملی ایران به نشانی iran\_nationalorchestra پخش می‌شود.

سریال پرطرفدار و پرمخاطب این روزهای فیلمو «زخم کاری» براساس رمان «بیبست زخم کاری» نوشته محمود حسینی‌زاد ساخته شده که خود آن رمان نیز اقتباسی از اثر جاودان ویلیام شکسپیر، تراژدی «مکبث» است.

آن دسته از مخاطبانی که نمایش‌نامه «مکبث» را خوانده باشند یا دست‌کم یکی از اقتباس‌های سینمایی این اثر ماندگار را تماشا کرده باشند، بی‌شک می‌دانند که در این تراژدی تنها یک کاراکتر است که شخصیت اصلی نمایش‌نامه یعنی مکبث را در سایه ابهت و جذبه خود قرار می‌دهد و آن کاراکتر «لیدی

مکبث» است. «لیدی مکبث» را شاید بتوان یکی از پیچیده‌ترین کاراکترهای نمایشی در تاریخ ادبیاتِ دراماتیک (که برآمده از تراژدی مکبث است) نقش می‌تواند برای بازیگرانش چالش‌برانگیز باشد و اگر خوب از آب درآید به شاه‌نقش کارنامه هنری آن بازیگر زن بدل شود.

سمیرا در سریال «زخم کاری» مطابقتی علنی و بی‌واسطه با کاراکتر لیدی مکبثِ شکسپیر دارد. لیدی مکبث بر طبق کهن‌الگوها در طبقه‌بندی زن جنگجو و البته در بال منفی این کهن‌الگو قرار می‌گیرد که به بدخواهی، توطئه‌چینی و کینه‌توزی در راه دستیابی به آمال و آرزوهای او گره خورده است. اصلی‌ترین ویژگی این کاراکتر جاهدطلبی بیمارگونه اوست که کاراکترش را به بی‌رحمی، خون‌خواری و خشونت سوق می‌دهد. در تراژدی مکبث این لیدی مکبث است که مکبث را به کشتن دانکن تحریک می‌کند و اوست که باعث می‌شود مکبث رفته‌رفته به شخصیتی بدطینت و شیطان‌صفت بدل شود. لیدی مکبث نشانگانی از چندین اختلال روان‌پزشکی را بروز می‌دهد که همین ویژگی شخصیتی منجر می‌شود ایفای نقش او به چالشی دشوار برای بازیگران زن تبدیل شود. وجوه بازی از درونیات شیطانی کاراکتر لیدی مکبث در این اقتباس ایرانیزبه‌شده از اثر نیز دیده می‌شود. درواقع رمان‌نویس با تسلط بر تراژدی شکسپیر موفق شده است نسخه ایرانی شسته‌رفته‌ای را با تاکتون در سینما و تئاتر بازیگران زیادی «لیدی

درنظرقفتن موقعیت جغرافیایی و فرهنگی داستان و کاراکترهایش ارائه دهد. سمیرا (با بازی درخشان رعنا آزادی‌ور) تصویر بی‌نقصی از شیطان است که روی زمین آمده، به جلد مالک (جواد عزتی) می‌رود و او را به هر سمت و سویی که بخواهد می‌کشد، دستش را به خون می‌آلاید و مقدمات نگون‌بختی او را فراهم می‌آورد. به زعم من آزادی‌ور با بازی در این نقش روی دیگری از سکه را به مخاطب نشان می‌دهد. او حالا دیگر از قالب نقش زنان پاک، مثبت نقره‌ای سینما ثبت‌کنند. «سریر خون» اکبریا کروساوا صلابت حضورش را در قالب نقشی با پتانسیل بالا برای تبدیل‌شدن به شاه‌نقش کارنامه او به مخاطب اثبات می‌کند. به بیانی دیگر «زخم کاری» و نقش سمیرا، فرصتی ناب است برای رعنا آزادی‌ور تا نشان دهد می‌تواند خود را از سطح بازیگری متوسط به بازیگری درجه یک ارتقا دهد.

تاکتون در سینما و تئاتر بازیگران زیادی «لیدی

## هنر



**نگاهی به حضور رعنا آزادی‌ور در سریال «زخم کاری»**

# صلابت حضور

**یاسمن خلیلی‌فرد**

مکبث» را بازی کرده‌اند و بی‌اغراق بازیگرانی که توانسته‌اند این نقش را تصاحب کنند بازیگران خوش‌شانسی بوده‌اند. شاید از بهترین و به‌یادماندنی‌ترین لیدی مکبث‌های تاریخ سینما بتوان به فرانسسکا آنیس در «مکبث» رومن پولانسکی یا جینت نولان در نسخه قدیمی‌تر «مکبث» به کارگردانی اورسن ولز اشاره کرد؛ بازیگرانی که موفق شدند شکوه و جذبه حضور کاراکتر مهم و بزرگ لیدی مکبث را از متن نمایش‌نامه شکسپیر بر پرده نقره‌ای سینما ثبت کنند. «سریر خون» اکبریا کروساوا نیز اقتباس موفق دیگری از «مکبث» بود که به زعم نگارنده نقشِ لیدی مکبث در آن بسیار گم‌رنگ‌تر از حد انتظار است. در یکی از جدیدترین اقتباس‌ها از این تراژدی نیز ماریون کوتیار در نقش لیدی مکبث را با ظرافتی مثال‌زدنی ایفا کرده است.

از امتیازات بازیگری «زخم کاری» بده‌بستان‌های بجس، رضایت‌بخش و حرفه‌ای رعنا آزادی‌ور و

جواد عزتی به‌عنوان بازیگران اصلی آن است. این دو موفق شده‌اند بازی‌هایی هم‌جنس و هم‌بافت ارائه دهند و تقابل درونی و تضادهای شخصیتی نقش‌هایشان را به شکلی هوشمندانه به منصه ظهور رسانند. در دو ساکنس ناب و به‌یادماندنی از سریال، سمیرا دچار خشمی شدید و غیرقابل کنترل نسبت به مالک می‌شود و خشم خود را با حرکات بیرونی تند و کوبنده‌ای بروز می‌دهد. در مقابل مالکی که

با دستانش عموی خود را به قتل رسانده همچون کودکی خردسال و بی‌پناه زیر مشت و لگدهای زن در خود فرو می‌رود و زبونی، ستم‌کشی و ضعفی را که مایه رنجش سمیراست پررنگ‌تر از هر وقت دیگر به نمایش می‌گذارد. تفاوت ماهیت و سرشت درونی زن و مرد داستاکن (که برآمده از تراژدی مکبث است) باعث جذابیت روایت شده است و وقتی بازیگران موفق می‌شوند این تفاوت‌های پرتضاد را به شکلی متقاعدکننده به نمایش بگذارند حاصل، جذاب و دیدنی می‌شود و بازی‌ها در عین زیرپوستی‌بودنشان به چشم می‌آیند.

بهره‌گیری رعنا آزادی‌ور از متداکتینگ برای نزدیک‌شدنش به کاراکتر سمیرا که نماینده امروزی لیدی مکبث است از درست‌ترین انتخاب‌های او (و احتمالاً کارگردان) بوده است و احتمالاً ضمن فشاری که خود بازیگر برای درآمدن نقش متحمل شده حاصل به‌شدت باورپذیر از آب درآمده است.

محمدحسین مهدویان تاکنون در فیلم‌هایش بازی‌های خوبی از بازیگران خود گرفته است. این قانون کلی همه فیلم‌های او نیست اما در بیشتر آثارش بازیگران فرصت این را یافته‌اند که بخش‌های کمتر دیده‌شده‌ای از استعداد و قابلیت‌های درونی‌شان را بروز دهند و حالا در نخستین اثر او در شبکه نمایش خانگی نیز این اتفاق تکرار شده است و در کنار جواد عزتی همیشه خوب، رعنا آزادی‌ور را می‌بینیم که بهتر از حد انتظارمان ظاهر می‌شود و حتی در برخی صحنه‌ها بازیگر کاربلدی چون جواد عزتی را زیر سایه حضورش قرار می‌دهد.

**زیر درختان زیتون**

## خسرو معصومی به دلیل ابتلا

### به کرونا در بیمارستان بستری شد

● خسرو معصومی، کارگردان سینما، با تأیید ابتلای خود به کرونا به ایسنا گفت: ۴۰ درصد ریه‌ام درگیر بیماری شده و به‌همین دلیل از شب گذشته (۱۶ تیر) در بیمارستان نیکان بستری هستم. معصومی متولد سال ۱۳۳۴ و نویسنده و کارگردان فیلم‌های متعددی در سینمای ایران است که از میسان آنها به «کار کثیف»، «تابو»، «خرس»، «باد در علفزار می‌پیچد»، «جایی در دورست»، «پیر پرواز»، «رسم عاشق‌کشی»، «دل‌باخته» و «آقای بخشدار» و نیز ساخت سریال «بچه‌های بهشت» می‌توان اشاره کرد.

### سرنوشت نقاشی داوینچی

### به دادگاه سپرده شد

● دادگاهی در فرانسه درباره سرنوشت یکی از طراحی‌های منسوب به «لئونارد داوینچی» و امکان خروج آن از فرانسه تصمیم‌گیری خواهد کرد. به گزارش ایسنا و به نقل از فرانس‌پرس، ۲۳ یک طراحی کوچک منسوب به «لئونارد داوینچی» هنرمند چیره‌دست ایتالیایی که چندین دهه متوالی از نظرها پنهان مانده بود، اکنون به موضوع کشمکش بین مالک نقاشی و وزارت فرهنگ فرانسه تبدیل شده است و دادگاهی در فرانسه درباره این‌س موضوع تصمیم‌گیری خواهد کرد. در این دادگاه امکان خروج این نقاشی از فرانسه توسط مالک آن بررسی خواهد شد. این نقاشی «سن سباستین» را درحالی‌که به یک درخت تکیه داده به تصویر کشیده است. این اثر یکی از چندین نقاشی و حکاکی است که «ژان بی» مالک این آثار که اکنون ۸۰ساله است در سال ۱۹۵۹ به‌عنوان هدیه از سوی پدرش به مناسبت قبولی در دانشگاه پزشکی دریافت کرده است. این پزشک که علاقه بیشتری به موسیقی داشت این نقاشی را در جعبه‌ای نگهداری کرد و به مدت نیم‌قرن آن را فراموش کرده بود.

او در سال ۲۰۱۶ در جریان یک اسباب‌کشی سراغ این جعبه رفت و تصمیم گرفت این آثار هنری را برای تعیین ارزش به یک حراجی «تاجان» نشان دهد. مدیر بخش آثار استادان قدیم نقاشی بلافاصله طراحی «سن سباستین» را به‌عنوان اثر هنری یکی از استادان قدیم نقاشی شناسایی کرد و ارزش اثر را بین ۲۰ هزار تا ۳۰ هزار یورو برآورد کرد. «پاتریک دبایسر» دیگر کارشناس آثار هنری نیز به این نتیجه رسید طراحی «سن سباستین» فقط می‌تواند به دست «داوینچی» خلق شده باشد. «کارمن بامیاج»، کارشناس هنری موزه متروپولیتن نیویورک نیز نظر «دبایسر» را تأیید کرد. با شناسایی این طراحی به‌عنوان یکی از آثار «داوینچی» ارزش آن به ۸ تا ۱۲ میلیون یورو رسید؛ اما ازآنجاکه پیدایش یک اثر هنری متعلق به «داوینچی» اتفاق رایجی نیست، دولت فرانسه به‌سرعت در این مسئله وارد شد و این طراحی را به‌عنوان یک کتیبه ملی معرفی کرد و ۳۰‌سah را به‌عنوان فرصت خرید این اثر برای موزه لوور تعیین کرد.

قیمت پیشنهادی دولت برای خرید این اثر ۱۰ میلیون یورو بود اما با وجود برآورد جدید، ارزش این نقاشی که به ۱۵ میلیون یورو رسید، مالک این اثر از فروش آن به دولت منصرف شد. اما این موضوع در همین نقطه به پایان نرسید. «ژان بی» به‌سرعت خواستار خارج‌کردن این نقاشی از کشور شد تا بتواند این اثر را به یک خریدار خارجی بفروشد اما وزارت فرهنگ فرانسه با این تصمیم مخالفت کرد و این موضوع را مطرح کرد که شاید این طراحی در اصل یک اثر مسروقّه باشد. «ژان بی» در دادگاه پیش‌رو تقاضای خود را برای صدور مجوز خروج این طراحی مطرح خواهد کرد.

## نقاشی مسروقه در یک آپارتمان کشف شد

● یک نقاشی از «سیگمار پولک» که به سرقت رفته بود، در یک منزل مسکونی در آلمان کشف شد. به گزارش ایسنا، تابلوی نقاشی که توسط «سیگمار پولک» نقاش و عکاس آلمانی خلق شده است و تصویر یک گل و گلدان را به تصویر می‌کشد، در یک آپارتمان واقع در «ماینتس» کشف شد. این نقاشی کمتر از یک سال پیش روده شده بود. پلیس آلمان اعلام کرد این نقاشی در نوامبر سال گذشته از یکی از گالری های هنری واقع در کلن ربوده شده است.

باین‌حال پلیس نام دقیق گالری و جزئیات سرقت را منتشر نکرده است. به گفته پلیس این نقاشی صدها هزار دلار ارزش دارد که در این صورت نمی‌توان آن را از آثار گران این هنرمند محسوب کرد، چراکه آثار «پولک» معمولاً در حراجی‌ها میلیون‌ها دلار به فروش می‌رسند. رکورد گران‌ترین اثر این هنرمند در سال ۲۰۱۵ زمانی شکسته شد که تابلوی نقاشی «جنگل» (۱۹۶۷) در حراجی سائیز به قیمت ۲۷.۱ میلیون دلار فروخته شد. «پولک» که در سال ۲۰۱۰ درگذشت، به خاطر نقاشی‌ها، عکس‌ها و مجسمه‌هایش در اروپا محبوبیت دارد. در سال ۲۰۱۴ این نگاه‌ها هنری بزرگی برای این هنرمند در موزه‌های هنر مدرن نیویورک و «تیت» لندن برگزار شد. پلیس اعلام کرد دو مرد و یک زن را در ارتباط با این سرقت شناسایی کرده بود و به دنبال آن یک آپارتمان در «ماینتس» را بررسی کردند. در نهایت اصالت این نقاشی توسط کارشناسان آثار «پولک» تأیید شد.

حساسیت‌های مختلفی را ایجاد کرده است. در واقع رسانه اگر به گونه‌ای باشد که افراد مختلف جامعه را نسبت به فضایی که در آن سکنی می‌گزینند، حساس کند، می‌تواند در رشد عمومی جامعه تأثیرگذار باشد.

این برنامه‌ها می‌تواند در سبک زندگی و سلامت روانی افراد و حتی شادابی کودکان تأثیر بسزایی بگذارد، زیرا محیط زندگی با رفتارهایی که در آن محیط انجام می‌شود رابطه مستقیم دارد.

**محمدرضا نیکبخت:**

بدون شک این اتفاق خودبه‌خود رخ می‌دهد، زیرا ما در یک دوران گذار هستیم که گونه‌های مختلف مدیا به وجود می‌آید و بر روند فکری جامعه‌ای که به‌نوعی مربوط به معماری است تأثیر می‌گذارد.

فقط نکته‌ای که وجود دارد این است که بعضاً این مדיاها خطا نکنند و چیزی به جز معیارهای ارزشی برایشان اهمیت پیدا نکنند. مثل گیشه سینما که در تولید فیلم خیلی مهم است این اتفاق هم اگر برای این مדיاها شکل بگیرد (کم اینکه در خیلی از نشریات بسیار معتبر این مطلب را که به فضای معماری می‌دهیم می‌بینیم) معماری را به سمت‌وسویی که منافع اقتصادی را دنبال می‌کند جهت می‌دهند. این اتفاق بدون شک رخ می‌دهد، فقط امیدوارم که متکی به همان علوم انسانی و علوم اجتماعی شکل بگیرد و مبتنی بر ارزش‌های این علوم پیش برود. نه لزوماً معیارهای کم‌اعتبار و چهره‌های نقاشی در فضای این رویاها به سوداگری آکنده می‌شوند.

**سام طهرانی‌تی:**

من مثالی در این‌زمینه از شهر تورنتو می‌زنم. وقتی به آنجا می‌روم در حال راندگی هنگامی که به چهارراه می‌رسم گاهی به دلیل کم‌حواسی یا فراموش‌کردن قانون‌های آن کشور کمی از خط عبور فراتر می‌روم، دوچرخه‌سواری که اندکی با ما فاصله دارد و می‌خواهد از چهارراه عبور کند، از دور شروع به دادن اخطار به من می‌کند، زیرا دارد از حقوق خود دفاع می‌کند و به من گوشزد می‌کند که من حق این را دارم که سلامت زندگی‌کنم و تو وظیفه داری که به او چهارراه به خاطر من بایستی.

این واکنش، یک انتقاد است، اما به لحاظ اصلاح رفتاری و دیدگاه و سلیقه، این انتقادها می‌تواند کارآمد باشد؛ کم‌اینکه در حوزه فوتبال در زمان پخش برنامه نود، داورها مواظب قضاوت خود بودند، زیرا می‌دانستند عادل فردوسی‌پوری هست که اتفاقات را نقد و تحلیل می‌کند و سعی می‌کند واقعیت را به مردم نشان دهد.



فوتبالمان است. در فوتبال قهرمان آسیا هستیم ولی در معماری قهرمان غرب آسیا هم نیستیم.

تنها راه نجات معماری ایران تغییر سیستم آموزشی در دانشگاه‌هاست.

ساختار آموزشی ما باید تغییر کند. بیمار اصلی معماری ما نظام آموزشی‌مان است. به عبارتی آدم‌ها از دانشگاه که بیرون می‌آیند، درگیر روش‌های رایج کسب‌وکار می‌شوند و به شیوه سعی و خطا پیش می‌روند.

منتقدان هم باید در دانشگاه درس خوانده باشند. تفاوت فوتبال از نگاه فردوسی‌پور با بقیه منتقدان در چیست؟ فردوسی‌پور آگاه به زمانه و آموزش‌یافته مکتب جهانی فوتبال است. او تاریخ فوتبال ایران و جهان را می‌داند و خودش می‌گوید تمام بازی‌های مهم فوتبال را نگاه می‌کند.

تمام مقالات خارجی فوتبال را می‌خواند. در واقع دلیل خاص‌بودنش این است، آیا ما در ساخت معماری چنین منتقدی داریم؟ نمی‌دانم یعنی اطلاعاتم کافی نیست، فکر نکنم. جایگاه ما در حوزه معماری جهان چیزی مثل سطح تکنولوژی و قابلیت رقابت فوتبال ایران خودور در عرصه جهانی است. هرچند ما می‌توانیم ایران‌خودرو را به عراق و سوریه بفروشیم اما معماری را نتوانسته‌ایم صادر کنیم.

آیا پیمانکاران ما و مشاوران ما مشتری جهانی

دارند؟ یا می‌توانند داشته باشند؟

بازیکنان فوتبال ما به اروپا می‌روند و بازی می‌کنند. خود فوتبال جلوتر از معماری معاصر